

# دولتی بودن، ریشه ناکارآمدی پژوهش‌ها

دکتر روح... ایزدخواه، کارشناس و پژوهشگر مدیریت تکنولوژی

کارشناس مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف، عضو شورای ستادی و نایب رئیس شبکه تحلیلگران تکنولوژی ایران و مشاور مدیر کل صنایع کوچک وزارت صنایع، از سوابق روح... ایزدخواه به شمار می‌رود. او که هم‌اکنون دارای دکترای مدیریت تکنولوژی می‌باشد، تجارب تلخ و شیرین زیادی در مواجهه با واقعیت‌های پژوهشی کشور داشته است. گفتار زیر، ماحصل نشست است که با او در دفتر پژوهش روزنامه خراسان داشتیم تا به شناسایی و ریشه‌یابی مفاسد پژوهشی بپردازیم.

## مخارج پژوهشی

آن چه من می‌گویم بیشتر از جنس تجارب و مشاهدات است تا مطالعات. واقعیتی که در فضای پژوهشی و دانشگاهی ما وجود دارد و باید با بررسی عالمانه‌تر به تحلیل و اصلاح پرداخت. مقوله اول مخارج پژوهشی است. نمی‌دانم می‌شود گفت در این مقوله با یک فساد مواجهیم یا نه؛ اما لااقل دیگر با چیزی فراتر از ناکارآمدی مواجهیم. بودجه‌های پژوهشی به شدت بد توزیع می‌شود. رهبری هم یک بار تأکید داشتند که گرچه ما بر افزایش بودجه‌های پژوهشی تا ۳ درصد تأکید داریم، اما همین مخارج فعلی اگر با بهره‌وری درست باشد مبلغ کمی نیست.

معمولاً در بحث از شکافی که داریم تا به بودجه مطلوب پژوهشی برسیم، این نکته فراموش می‌شود که استفاده از بودجه فعلی هم باید درست باشد. من به نمونه‌هایی از بی‌تدبیری در تخصیص بودجه‌های پژوهشی اشاره می‌کنم.

وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، دفاع و نیرو سه وزارتخانه پر پژوهش هستند که بیشترین حجم تحقیقات را دارند. جهاد روی محصولات مختلف مراکز جداگانه تحقیقاتی دارد، مثلاً برنج یا گندم و غیره. مراکز کوچکتر ایستگاه تحقیقاتی نامیده می‌شوند. یکی از این مراکز، یک ایستگاه تحقیقاتی خرما در طبس بود برای اصلاح نژاد خرما و تعیین این که چه نوع خرمایی بهتر در منطقه کشت می‌شود و ... تصمیم گرفته شده بود این مرکز تعطیل شود. وقتی پرسیدیم چرا، گفتند مشکل بودجه دارد و قرار است در راستای کوچک سازی دولت، خودگردان شود. تعدادی انواع خرما کاشته شده بود که رویشان تحقیقات شود و از محصول این ها بهره اقتصادی چندانی نمی‌شد برد تا خودگردان شود.

پرسیدیم بودجه اش چقدر است؟ گفتند زیربنا که ساخته شده است؛ فقط بیست میلیون تومان هزینه جاری سالانه می‌خواهیم! به خاطر بیست میلیون تومان می‌خواست این مرکز تعطیل شود و همه اسنادش هم طبعاً نابود شود چون شبکه تحقیقاتی در کار نیست که تجارب منتقل شود. ما دیدیم بیست میلیون تومان چیزی نیست. این مبلغ یک پژوهش است که در تهران به یک استاد دانشگاه می‌دهند تا یک نفره کار را ارائه کند.

از چندین سال پیش جهت پیوند صنعت و دانشگاه، در یکی از دانشگاه‌های معروف تهران پژوهشکده‌ای مشترک بین آن دانشگاه و یک سازمان اجرایی صنعتی تأسیس شده بود. قبل از این که کلنگ مرکز زده شود، دستگاه‌هایش خریده شده بود؛ دستگاه‌های گران اندازه گیری دقیق و ... که بعضاً در طی ده سال که ساختمان مرکز ساخته شده بود، هنوز باز نشده بودند اما گارانتی‌شان تمام شده بود! ضمن این که بررسی دقیق نشده بود که ضرورتاً

این دستگاه باید خریده شود یا نه. هر کدام از این دستگاه‌ها دوره‌های تخصصی برای کاربریشان لازم داشت. مدیر سابق این مرکز به جای این که متخصصان مختلف را بفراستند، خودش سفرهای آموزشی مربوطه را می‌رفته و با این شیوه شخصاً صد و خرده‌ای سفر به خارج از کشور رفته بود.

به علاوه حقوق کلانی که برای خودش بسته بوده و سونا و جکوزی که داخل ساختمان این مرکز ساخته بودند و ...! که البته بعداً سازمان اجرایی مربوطه دخالت و جلوگیری کرده بود. این اتفاق در مرکز کشور و یک دانشگاه معروف افتاده نه جای دوری که امکان نظارت بر آن نیست. این را در فضایی تصور کنید که اگر کسی بخواهد صدهزار تومان از دانشگاه بگیرد باید کلی حساب و کتاب پس بدهد.

## تجهیزات و ساختمان‌های پژوهشی

خرید ماشین آلات برای کار پژوهشی خودش یک مسأله جداگانه است. گویی در دستگاه‌های دولتی یک پیش فرض هست که خرید دستگاه‌ها به کلی خوب است ولو هر چقدر خرج داشته باشد. بدون این که بررسی شود آیا خرید این دستگاه ضروری است یا جای دیگر قابل دسترسی نیست؟ گاه پیش آمده که یک کشور پیشرفته‌تر از ما وقتی فهمیده ما یک دستگاه خاص را داریم، سفارش تست فلان قطعه‌اش توسط آن دستگاه را به ما داده. بسیار پیش می‌آید قبل از راه اندازی پژوهش دستگاه‌هایش خریده شده. لذا این مقوله هم از مقولاتی است که می‌شود به بهانه اش کلی پول خرج کرد و سفر رفت و ... کسی هم اعتراضی به آن نمی‌کند؛ گویی لزوماً یک کار مقدس به شمار می‌آید.

مقوله مشابه این، عمران مراکز پژوهشی است. برای ساختن پژوهشکده و خرج‌های دیگرش کنترل چندانی وجود ندارد. در بعضی شهرک‌های فناوری وزارت صنایع می‌گفتیم غیر از خرج عمران این شهرک، چرا به کارهای نرم افزاری‌اش توجه نمی‌شود؟ می‌گفتند بودجه امسال مافقط ده میلیارد تومان عمرانی است. شهرکی صنعتی در تهران یک مرکز خدمات فناوری زده بود که متری پانصد هزار تومان هزینه ساخت داده بود به خاطر شیک ساختن ساختمان‌ش. می‌دانید که بودجه‌ها یا عمرانی است یا جاری و این وسط معلوم نیست بودجه پژوهشی کجاست؟ بودجه پژوهشی را باید یا عمرانی تعریف کرد یا جاری. عمرانی‌اش که آن‌طور؛ در جاری‌اش

هم می‌بینیم گاهی حقوق بی حد و حصری به اسم پژوهش داده می‌شود. سازمان‌های پژوهشی دولتی در تهران به این معروفند که محل شغل دوم بسیاری از افراد است. طرف کارمند فلان سازمان است و عضو هیئت علمی مرکز پژوهشی آن سازمان هم هست. کاری هم نکند، حقوق هیئت علمی‌اش را می‌گیرد. لذا این بودجه‌ها هم بعضاً زمینه ناکارآمدی یا مفاسد می‌شوند.

در نقطه مقابل، تجربه‌های مثبتی هم داریم. به عنوان نمونه یک خانم دکتر در مؤسسه پاستور دستگاه‌های مورد نیازش را یکی یکی از جاهای مختلف داخل کشور گرد هم آورده بود و حتی به قیمت کم و با کمک متخصصان داخلی ساخته بود؛ در حالی که اگر می‌خواست آن را از خارج بخرد باید کلی هزینه بر بیت المال تحمیل می‌شد. این نشان می‌دهد که اگر اختیار تصمیم‌گیری درباره این مسائل به دست پژوهشگر باشد و نه در دست

یک مدیر دولتی، هزینه‌های بیجا نمی‌شود. متخصص این حوزه خود پژوهشگر است و اوست که صلاحیت تصمیم‌گیری درباره هزینه‌های پژوهش را دارد. اما وقتی یک مدیر آن هم بدون صبغه پژوهشی می‌آید، تصمیم‌گیری‌ها دچار آسیب می‌شود.

## انحصار در بازار پژوهش

مسأله دیگر، بازار پژوهش به عنوان طرف تقاضاست که بحث مافیای را می‌شود در آن مطرح کرد. اگر کسی محصولی تولید کند چه تضمینی هست که بازار آن را بخرد؟ مکانیزم عرضه و تقاضا و بازار آزاد وقتی معنا می‌دهد که واقعاً بازار با شفافیت در حال فعالیت باشد و فساد انتی نباشد. همان متخصصی که مثال زدم ماده اصلی داروی کنترل اعتیاد را در داخل تولید نیمه صنعتی کرده بود؛ دارویی که الآن از خارج از کشور وارد می‌شود و خریدار و توزیع کننده‌اش ستاد مبارزه با مواد مخدر است. نه تنها به این حرکت او توجه نکردند، که کلی اتهام به او وارد شد که دروغ می‌گویی و ...!

شبیه این را در جهاد کشاورزی دیدم. مهندسی

بود که در تمام مأموریت‌های خارجی‌اش آخرین فناوری‌های حوزه کشاورزی را شناسایی کرده بود و نمونه‌هایی جمع کرده بود. می‌گفت اصلاً وزارتخانه اهمیت نمی‌دهد که ما بحث ترویج کود ژنتیکی به جای کود شیمیایی را مطرح کنیم. یک سر مسأله این است که فناوری در اینجا درک نشده اما سر دیگرش همان مسأله انحصار بازار است. دولت می‌تواند و تو کند و اساساً بررسی نکند که آیا فلان فناوری یا نوآوری واقعیت دارد یا نه؟ و رویش سرمایه‌گذاری بشود یا نه؟ برای همین یکی از پیشنهادها مطرح شده برای برنامه پنجم توسعه، تشکیل دادگاه پژوهش و فناوری بود که بتواند درباره ادعای پژوهشگران نظر بدهد و نگذارد مافیای جلوی یک نوآوری را بگیرد.

## آفات بدنه کارشناسی

بدنه کارشناسی دستگاه‌های اجرایی هم بسیاری مواقع نقش مانع را برای پژوهش‌ها و ایده‌های ناب و مستقل بازی می‌کند. به ویژه وقتی مدیر عوض می‌شود و تا بر کار مسلط شود ناچار است به حرف کارشناسان دستگاهش اعتماد کند. معروف است که وزیر راحات می‌شود عوض کرد اما کارشناس را نه! یک مدیر ناکارآمد هم وقتی می‌آید و می‌خواهد فقط بیلان کاری‌اش را بالا ببرد، با خودش می‌گوید بگذار به حرف همین بدنه کارشناسی اعتماد کنم چون بالاخره سال‌ها با این حیطه کاری درگیر بوده‌اند و سیاسی نیستند و لاید با این همه گزارش‌های قطور، حرفشان معتبر است. برای همین فقط ماشین امضا می‌شود. وقتی سیستم دست کارشناس باشد، مدیر هر چقدر هم اما مزاده باشد کاری پیش نمی‌برد. می‌خواهد در عرض سه ماه یک تصمیم کلان بگیرد و به تب و تاب می‌افتد. کانون تفکری هم در کنارش نبوده که فکر کرده باشد، یا اگر هست راه داده نمی‌شود و توسط بدنه کارشناسی نفی می‌شود. حرف کارشناسی وحی منزل می‌شود و ایده‌های جدید هم که به دولت می‌رود باز به کارشناسان ارجاع می‌شود.

اصلاً کارشناس یک دستگاه ممکن است به خاطر مصالح سازمانی نگاه متعادل نداشته باشد. مثلاً بعد تأسیس پتروشیمی غرب، کلی مشکلات به وجود آمد و گفته شد کار غیراقتصادی بوده. بعد از آن ناگهان دیدیم اتیلن شرق هم طراحی شد. تعجب کردیم که با توجه به تجربه ناکام قبلی چطور ممکن است کارشناسان این طرح را قبول کرده باشند.

